

خانواده در میان ذهنیت دانشجویان دانشگاه‌های تهران؛ مطالعه‌ای کیفی

خدیجه کشاورز^۱

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۴)

چکیده

ذهنیت دانشجویان دانشگاه‌های تهران نسبت به مناسبات میان جنسیتی در خانواده و تصورات و انتظارات آنان از خانواده مطلوب خود موضوع این تحقیق است. رویکرد روش‌شناختی پژوهش حاضر، رویکردی کیفی است. از میان دانشجویان سه دانشگاه تهران، امیرکبیر و الزهرا با ۳۲ دانشجوی دختر و پسر در خرداد و تیر ۱۳۹۹ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شد. داده‌های به‌دست‌آمده با روش تحلیل تماتیک بررسی شدند. یافته‌های پژوهش در سه محور انتظارات از زندگی مشترک، هرم قدرت در خانواده و تقسیم جنسی کار خانگی نشان می‌دهند که دختران و اغلب پسران مشارکت‌کننده در پژوهش به خانواده نگاهی مثبت دارند و آن را مأمّن آرامش‌بخشی می‌خواهند که فرصت‌های رشد و بالندگی را برای اعضایش فراهم کند. بخش مهمی از مشارکت‌کنندگان به خانواده پدرسالار نقد دارند و برای خود خانواده برابرتر مطالبه می‌کنند. رابطه فرادست - فرودست مردانه - زنانه در جنبه‌های مهمی از زندگی برای بخش مهمی از مشارکت‌کنندگان مورد تردید واقع شده است، گرچه این گرایش همچنان در میان بخشی از مشارکت‌کنندگان وجود دارد. درنهایت می‌توان دال مرکزی یافته‌های تحقیق را ابهام‌هنجاری در نگرش دانشجویان نسبت به خانواده دانست. آن‌ها الگوی خانواده پدرسالار را نقد می‌کنند، اما در شناخت و پذیرش الزامات خانواده مدنی

<https://doi.org/10.22034/jss.2023.526282.1595>

* مقاله علمی: پژوهشی

^۱ استادیار جامعه‌شناسی، عضو گروه مطالعات زنان مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وابسته به وزارت علوم،

<https://orcid.org/0000-0003-1255-6041>

تحقیقات و فناوری

keshavarz@iscs.ac.ir

مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره شانزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱: ۹۷-۱۲۱

با ابهام روبه‌رو هستند. این ابهام مختص دانشجویان نیست و بخشی از تغییرات بزرگ‌تر در مناسبات جنسیتی و الگوی خانواده در ایران امروز است.

واژگان کلیدی: ذهنیت، خانواده، دانشجو، دانشگاه‌های تهران، تقسیم کار جنسی، مطالعه کیفی.

مقدمه و بیان مسئله

مناسبات میان دوجنس و الگوی روابط زندگی خانوادگی قدمتی به درازای تاریخ دارد. طی دو قرن اخیر و با گشایش‌های اجتماعی، آموزشی و فرهنگی برای زنان، تغییر در مناسبات بازار کار خصوصاً پس از جنگ جهانی دوم و اوج‌گیری فعالیت‌های جنبش احقاق حقوق زنان در دهه ۱۹۶۰ میلادی، مناسبات جنسیتی مرسوم در غرب دستخوش تغییرات بنیادی شد. گسترش وسایل ارتباطی و جهانی شدن الگوهای زندگی، سایر نقاط جهان را نیز از این تغییرات بی‌نصیب نگذاشت.

در طول تاریخ جایگاه و نقش زنان برای خانواده از اهمیتی کلیدی برخوردار بوده است. بنابراین، تغییر این جایگاه و نوع نگرش به نقش‌های هردو جنس و خصوصاً زنان، تأثیر بسزایی در آینده خانواده و مناسبات جنسی بر جای خواهد گذاشت. خانواده به‌عنوان نهاد اجتماعی در دهه‌های اخیر در معرض تحولات مهمی بوده است. شاخص‌های جمعیت‌شناختی در کشور ما نیز نشان می‌دهد که تغییرات بزرگ آغاز شده‌اند. ورود به زندگی بزرگ‌سالی به تأخیر افتاده است، تعداد ازدواج بر سال رو به کاهش است و سن ازدواج زنان و مردان افزایش یافته است. با وجود ممنوعیت قانونی و عرفی، ازدواج سفید یعنی هم‌باشی زن و مرد بدون ازدواج در کشور به‌ویژه در شهرهای بزرگ قابل مشاهده است. همچنین با روند کاهش باروری در کشور روبه‌رو هستیم (گزارش وضعیت اجتماعی و فرهنگی ایران، بهار ۱۳۹۹).

روند مدرنیزاسیون در جوامع شهری بر ساختارهای عینی جامعه ایران از جمله بازار کار و نهاد آموزش تأثیر گذاشت و به نوبه خود از این تغییرات هم‌افزا در موقعیت زنان و مناسبات جنسیتی تأثیر پذیرفت. بخش مهمی از این تغییرات در نهاد آموزش عالی قابل مشاهده است. سرژ گیموند^۱، روان‌شناس اجتماعی فرانسوی، بر این مسئله تأکید دارد که در نظام آموزش دانشگاهی، افراد با ارزش‌ها و هنجارهای مدارامحور مواجه می‌شوند؛ این نوع مواجهه باعث

۱. Serge Guimond

می‌شود افراد شیوه‌ای از تفکر را درونی سازند که به کنار گذاشتن بسیاری از اشکال تعصب منجر می‌شود (گیموند^۱، ۱۹۹۲: ۷۶).

به نظر می‌رسد دانشجویان، به‌عنوان گروه‌های آینده‌ساز، بر تحولات جامعه ایرانی تأثیرات عمیق و پایداری خواهند داشت. بنابراین، شناخت تصورات و ذهنیات آن‌ها درباره خانواده و نیز پیگیری تغییر و تحولات نگرشی آن‌ها در این خصوص، نه تنها تصویر روشن‌تری از اشکال و ساختار قدرت و مسائل خانواده ایرانی در آینده خواهد داد، بلکه بر آینده پر از ابهام و پیچیده جنسیت نیز پرتوی می‌افکند. دوران دانشجویی، خصوصاً در ایران، به‌عنوان مرحله‌ای شناخته می‌شود که افراد نخستین ارتباطات جدی میان جنسیتی خود را تجربه می‌کنند و معمولاً پس از گذر از این مرحله وارد زندگی خانوادگی می‌شوند. چه بسا، دانشگاه نیز به‌عنوان یکی از بازارهای ازدواج^۲ در ایران، خود بستری برای جرح و تعدیل تصورات و رویکردهای دختران و پسران به خانواده است. شناخت ذهنیت دانشجویان نسبت به خانواده به این دلیل حائز اهمیت است که از یک سو می‌توان به وضوح اثر جامعه‌پذیری و ارزش‌های منتقل شده به نسل جوان را مشاهده کرد و از سوی دیگر، با استخراج مدل‌های مفهومی‌ای که ذهن افراد با آن‌ها درگیر است، می‌توان اشکال خانواده، مسائل و موضوعات و چالش‌های احتمالی جنسیت را در آینده رصد و پیش‌بینی کرد. پرسش اصلی این پژوهش فهم نگاه دختران و پسران دانشجو به خانواده و مناسبات میان زن و مرد و فهم وجوه تمایز و تشابه نگرش‌های زنان و مردان دانشجو نسبت به خانواده است.

پیشینه پژوهش

برخی پژوهشگران تلاش کرده‌اند تا میزان اثرگذاری آموزش‌های دانشگاهی بر نگرش دانشجویان را مطالعه کنند. سراج‌زاده و جواهری (۱۳۸۵) براساس یافته‌های پیمایش ارزیابی نگرش‌ها و رفتارهای دانشجویان دانشگاه‌های دولتی، نشان می‌دهند که دانشجویان بیش از گذشته به ارزش‌های برابری‌گرای اجتماعی گرایش دارند، اما این گرایش را در زنان قوی‌تر از مردان می‌دانند.

«نگرش دانشجویان نسبت به خانواده، زنان و جنسیت» عنوان مقاله‌ای است که نگارنده با روش تحلیل ثانویه و با استفاده از داده‌های پژوهش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های دانشجویان در دو مقطع ۱۳۸۲ و ۱۳۹۴ (سراج‌زاده و همکاران) انجام داده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد

^۱. Guimond

^۲. marriage market

که در هر دو دوره، رابطه اجتماعی میان دو جنس در حوزه‌های مهم زندگی در نگاه بسیاری از دانشجویان و به‌ویژه مردان دانشجوی رابطه‌ای مکمل‌گونه^۱ است و بر مبنای تفاوت‌های بیولوژیک دو جنس ایجاد شده است. این نوع رابطه در بسیاری از موارد نهایتاً به حفظ نوعی سلسله‌مراتب مردانه پاری می‌رساند (کشاوری، ۱۳۹۵).

با استناد به پژوهش ملی سراج‌زاده و همکاران می‌توان نتیجه گرفت که در میان دانشجویان، همچنان استانداردهای دوگانه‌ای حاکم است که معیارهای ازدواج را برای دختر و پسر بر پایه تفاوت‌های جنسیتی بنا می‌کند. بر اساس پژوهش طولی سراج‌زاده و همکاران درباره ارزش‌ها و نگرش‌های دانشجویان در سال ۱۳۸۲ و ۱۳۹۴، دختران بیش از پسران به وضعیت اقتصادی همسر آینده‌شان اهمیت می‌دهند. از سوی دیگر هم‌چنان زیبایی همسر، معیار بسیار مهم‌تری در میان پسران دانشجوی محسوب می‌شود. یا اختلاف سن زوجین در میان دانشجویان عمدتاً به نفع مرد پذیرفته شده است (سراج‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۴).

نتایج پژوهش کلر پیو^۲ و رژیس بیگو^۳ با عنوان «نگرش‌های زنان و مردان مشابه یا متفاوت؟» نشان می‌دهد که بین زنان و مردان درکی مشابه نسبت به رفتارها و اخلاقیات وجود دارد. موضوعات مورد انتقاد فمینیست‌ها مانند پیوند بین زندگی خانوادگی و حرفه‌ای، بزرگ کردن فرزندان و تقسیم کار خانگی یکی از حوزه‌هایی است که بیشترین توافق نگرشی بین زنان و مردان در مورد آن وجود دارد. برای اکثریت مردان (۵۸ درصد) همچون اکثریت زنان (۶۱ درصد)، خانواده «تنها جایی است که فرد [در آنجا] احساس خوب و آرامش دارد» (کلر پیو و رژیس بیگو، ۲۰۰۴).

میلان بوشه-وله^۴ در مقاله‌ای با عنوان «مدرک بالاتر، مجرد کم‌تر در میان زنان؛ معکوس شدن فرازهمسری زنان^۵ در میان گروه‌های نسلی در فرانسه»، با تحلیل داده‌های ازدواج افرادی که پیش از سال ۱۹۵۰ به دنیا آمده‌اند با افرادی که در دهه ۱۹۷۰ میلادی به دنیا آمده‌اند، معکوس شدن پدیده فرازهمسری زنانه از نظر تحصیلات را نشان می‌دهد. او با استناد به پژوهش‌های انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی توضیح می‌دهد که ویژگی انتخاب همسر در میان زوجها در بسیاری از جوامع به شکل فرازهمسری زنانه یا فروهمسری مردانه است؛ در این شیوه، گرایش افراد به شکل دادن خانواده‌هایی است که در درون آن‌ها زن نسبت به مرد از نظر یک یا

۱. Complémentaire

۲. Claire Piau

۳. Régis Bigot

۴. Milan Bouchet-Valat

۵. Hypergamie féminine

چند ویژگی، موقعیتی فرودست دارد و این فرودستی یکی از عوامل اساسی سلطه مردانه و تداوم آن در نسل‌هاست (بوشه-وله، ۲۰۱۵).

چارچوب مفهومی پژوهش

جنسیت مفهومی جامعه‌شناختی است و به «روابط ساخت‌یافته اجتماعی و فرهنگی بین زنان و مردان» معنا می‌شود. هنگامی که از جنسیت سخن می‌گوییم، مراد ما جنس اجتماعی است که به شکل اجتماعی و از طریق اجتماعی شدن ساخته می‌شود و القاگر برخی رفتارها و نگرش‌هاست. ما به وسیله فرایندهای جامعه‌پذیری در خانواده، مدرسه، دانشگاه و محیط کار، زن یا مرد می‌شویم. بنابراین تفاوت‌های نظام‌یافته میان زنان و مردان محصول یک جبر بیولوژیکی نیست، بلکه ساخته اجتماعی است.

خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، جایگاه اصلی نظم جنسیتی و روابط بین دو جنس است. خانواده نیازهای مادی و عاطفی اساسی اعضایش را فراهم می‌کند و نقش بسیار مهمی در ادغام افراد در جامعه دارد. در همه فرهنگ‌ها، مسئولیت اصلی زنان، مراقبت از کودکان و کارهای خانگی است، در حالی که مسئولیت مردان تأمین معاش خانواده است (گیدنز و بردسال، ۱۳۸۶: ۱۶۴). به نظر میلان بوشه-وله خانواده به‌عنوان نهاد محوری جامعه‌پذیری و بازتولید اجتماعی، شکل‌دهنده موقعیت فرودست زنان است (بوشه-وله، ۲۰۱۵).

ایرن جمی^۱، مورخ فرانسوی، که جنسیت را در تاریخ نگاری مورد واکاوی قرار می‌دهد، از علت تداوم سلطه مذکر پرسش می‌کند. او از قوانین و اصول ضمنی‌ای صحبت می‌کند که همچنان برای حفظ شکاف‌ها و جایگاه‌های نابرابر میان زن و مرد، عمل می‌کند. از نظر وی یکی از این قوانین ضمنی ازدواج ناهمگون‌خواهی است: زن مردی را جست‌وجو می‌کند که دارای پایگاه برابر یا بالاتر از خودش باشد؛ در این نگاه با اروتیزه کردن قدرت مردانه و یا [جذابیت] مردانگی هژمونیک روبه‌رو هستیم. او توضیح می‌دهد که چگونه زنان از طریق جامعه‌پذیری آغازین و پس از آن در دوران نوجوانی، هدایت می‌شوند تا استانداردهای زیبایی دست‌نیافتنی را درونی کنند، سلسله‌مراتب جنسیتی را بسازند و به خود بفهمانند که ارزش آن‌ها از پسران کم‌تر است، همچنین اهمیت تعیین‌کننده تمایلات جنسی پسران و سلیقه و قضاوت‌هایشان را درونی سازند (جمی، ۲۰۰۷).

اگرچه خانواده همچنان این نقش‌هایش را تداوم می‌دهد، اما خانواده‌ها به‌عنوان نهاد اجتماعی در سال‌های اخیر در معرض تحولات مهمی بوده‌اند (دومینگه-فولگرس و لسند،

^۱. Irène Jami

۲۰۱۸). بخش مهمی از این تغییرات به تغییر نگرش زنان و کنشگری آنان بازمی‌گردد، زنان از نقش‌های جنسیتی تثبیت‌شده فاصله می‌گیرند و از زندگی خانوادگی و رابطه با همسر انتظاراتی دارند که با خانواده هسته‌ای و ایده عشق رمانتیک همسوتر است. آن‌ها از همسر خود صمیمیت و تعهد را انتظار دارند و فراتر از فرزندپروری نقش‌های اجتماعی را نیز جست‌وجو می‌کنند تا منزلت و پایگاه اجتماعی بالاتری به دست آورند.

فرهاد خسروخاور، جامعه‌شناس ایرانی مقیم فرانسه، مفهوم «سوژه» الن تورن را برای نامیدن اشکال ابراز خود در جامعه ایرانی نارسا می‌داند و از مفهوم «کنشگر زندگی خود»^۱ استفاده می‌کند که برای توصیف کسانی به کار می‌رود که می‌خواهند از یک سو از نظم جماعتی [سرکوبگر] خارج شوند و از سوی دیگر شیوه بودنی را بنا سازند که در ضمن بودن با دیگران و احترام به میل بودن با دیگری، اراده نیرومند خود برای استقلال فردی را حفظ کنند (خسرو خاور، ۲۰۰۹: ۱۸-۱۹).

روش پژوهش

رویکرد روش‌شناختی پژوهش حاضر، رویکردی کیفی است. از میان دانشجویان سه دانشگاه تهران، امیرکبیر و الزهرا با ۳۲ دانشجوی دختر و پسر مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام دادیم. نمونه‌گیری هدفمند و با تکنیک رسیدن به حداکثر تنوع مشارکت‌کنندگان انجام شد. ارزش تحلیلی انتخاب دانشگاه تهران به دلیل سابقه طولانی تأسیس و تنوع رشته‌هایی است که به‌عنوان دانشگاه مادر دارد. دانشگاه امیرکبیر از مهم‌ترین قطب‌های علوم فنی و مهندسی در کشور است که به دلیل ساختار منحصراً فنی آن، در بیشتر رشته‌ها اکثریت با پسران است. پرداختن به تجربه پسران و دختران دانشگاه امیرکبیر از منظر یک اقلیت (دختران) یا بودن در موقعیت اکثریت (پسران) و تأثیری که فضای دانشگاه بر شکل‌گیری هویت جنسیتی و نوع نگاه افراد به روابط جنسیتی می‌گذارد حائز اهمیت است. از سوی دیگر، تجربه دانشجویان در دانشگاه تک‌جنسیتی الزهرا به نوعی منحصربه‌فرد به نظر می‌رسد. انتخاب دختران و پسران از دو مقطع کارشناسی و تحصیلات تکمیلی تنوع سنی و تجربیات متفاوتی را برای این مطالعه فراهم کرده است. علاوه بر توجه به انتخاب ترکیب متنوعی از مصاحبه‌شوندگان از نظر گرایش مذهبی، منزلت اجتماعی و پایگاه طبقاتی، به دلیل تأثیرگذاری محل زندگی خانواده و محل تحصیل بر تجربه و درک دانشجویان، بومی و غیربومی نیز خود یکی دیگر از محورهایی است که در

^۱. Acteur de sa vie

انتخاب مشارکت‌کنندگان و تحلیل نهایی ما مؤثر بوده است. ابزار گردآوری داده‌های پژوهش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بوده است. تمام مصاحبه‌ها در خرداد و تیر ۱۳۹۹ انجام شده‌اند. برای تحلیل داده‌ها نیز از روش تحلیل تماتیک یا تحلیل مضمون استفاده کرده‌ایم. «مضمون» الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود و حداقل به توصیف و سازمان‌دهی مشاهدات می‌پردازد و حداکثر، جنبه‌هایی از پدیده را تفسیر می‌کند (کمالی، ۱۳۹۷). تحلیل مضمون در شش گام و سه مرحله تجزیه و توصیف متن؛ تشریح و تفسیر متن؛ ترکیب و ادغام متن انجام می‌شود. مراحل تحلیل مضمون عبارت‌اند از: آشنایی با داده‌ها، ایجاد کدهای اولیه، جست‌وجوی مضمون‌ها، بازبینی مضمون‌ها و تعریف و نام‌گذاری مضمون‌ها. در این نوع تحلیل، سعی بر این است که از مضامین پایه‌ای که آشکار و مصرح هستند به سوی مضامین انتزاعی‌تر و کلی‌تر حرکت شود تا به مضمون اصلی متن دست پیدا کنیم (همان).

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش با ۲۳ دانشجوی زن و ۹ دانشجوی مرد مصاحبه کرده‌ایم. از دانشگاه الزهرا ۱۰ زن، از دانشگاه امیرکبیر ۳ زن و ۷ مرد و دانشگاه تهران، ۱۰ زن و ۲ مرد در این تحقیق مشارکت داشتند. مسن‌ترین مشارکت‌کننده ۳۵ سال و جوان‌ترین ۱۹ سال داشت. جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش را نشان می‌دهد:

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش

ردیف	نام	سن	رشته	دانشگاه	شغل و تحصیلات پدر	شغل و تحصیلات مادر	محل سکونت والدین	تعداد خواهر و برادر
۱	حلما	۲۶	ارشد جامعه‌شناسی و لیسانس حقوق	دانشگاه تهران	فوق لیسانس مدیریت، مشاور شرکت خصوصی	طلبة حوزوی، معادل دکتری علوم قرآنی، خانه‌دار	تهران	۲ برادر بزرگ‌تر
۲	وحیده	۲۳	فوق لیسانس مطالعات جوانان	دانشگاه تهران	پزشک	فوق لیسانس علوم قرآنی، خانه‌دار	تهران	۱ برادر بزرگ‌تر
۳	آرام	۳۵	فوق لیسانس مطالعات جوانان	دانشگاه تهران	پدر: بنگاه اتوموبیل همسر: شرکت تجهیزات پزشکی	خانه‌دار	تهران	خودش مادر دو فرزند ۹ و ۶ ساله

ردیف	نام	سن	رشته	دانشگاه	شغل و تحصیلات پدر	شغل و تحصیلات مادر	محل سکونت والدین	تعداد خواهر و برادر
۴	سارا	۲۳	لیسانس شهرسازی	دانشگاه تهران	مالک استودیوی صدا، فوت کرده	خانه‌دار	تهران	تک‌فرزند
۵	مریم	۲۳	لیسانس مهندسی انرژی	دانشگاه امیرکبیر	کارگاه تولید ترانس	خانه‌دار	کرج	۱ برادر کوچک‌تر
۶	زینب	۲۱	لیسانس حقوق	دانشگاه تهران	کار بازاری دیپلم	خانه‌دار دیپلم	تهران	۳ خواهر ۲ بزرگ‌تر ۱ کوچک‌تر
۷	فهیمه	۱۹	فیزیک	الزهرا	بازار آهن دیپلم	خانه‌دار لیسانس ادبیات	تهران	۲ خواهر بزرگ‌تر
۸	راضیه	۲۳	مدیریت بازرگانی	الزهرا	هیئت علمی و دانشجوی دکترا	خانه‌دار دیپلم	تهران	۳ برادر و ۱ خواهر بزرگ‌تر
۹	غزل	۲۲	حقوق	الزهرا	مدیرعامل ارشد مدیریت شهید بهشتی	کارمند دولتی لیسانس علوم اجتماعی	تهران	۱ برادر کوچک‌تر
۱۰	گلبرگ	۲۰	طراحی پارچه	الزهرا	دامپزشک	ارشد روانشناسی، خانه‌دار	تهران	۱ برادر بزرگ‌تر
۱۱	لاله	۲۱	حقوق	الزهرا	راننده بازنشسته	خانه‌دار	گرگان	۲ برادر بزرگ‌تر
۱۲	زهرا	۲۱	ادبیات انگلیسی	الزهرا	معلم بازنشسته	معلم بازنشسته	فومن	۱ خواهر و ۱ برادر بزرگ‌تر
۱۳	شیرین	۲۲	مکانیک	امیرکبیر	ارشد مدیریت مدیر مالی	لیسانس خانه‌دار	رشت	۱ خواهر بزرگ‌تر
۱۴	پویان	۲۲	برق	امیرکبیر	مهندس	پزشک	دزفول	۱ برادر دوقلو
۱۵	آسیه	۲۳	فلسفه و علوم سیاسی	دانشگاه تهران	لیسانس کارمند	دانشجوی ارشد	تهران	۲ خواهر کوچک‌تر

خانواده در میان ذهنیت دانشجویان دانشگاه‌های ...

ردیف	نام	سن	رشته	دانشگاه	شغل و تحصیلات پدر	شغل و تحصیلات مادر	محل سکونت والدین	تعداد خواهر و برادر
						خانه‌دار		متاهل
۱۶	ریحانه	۲۳	ادبیات فرانسه زبان‌شناسی	دانشگاه تهران	مشاور حقوقی	پرستار	تهران	۱ خواهر کوچک‌تر
۱۷	رخساره	۲۰	زیست‌شناسی	دانشگاه تهران	تجارت و بیزینس آزاد	دبیر فرزنانگان	تهران	۱ برادر بزرگ‌تر
۱۸	فرزان	۱۹	حقوق	دانشگاه تهران	کارشناس آماری	خانه‌دار	اراک	۱ خواهر بزرگ‌تر
۱۹	نوشین	۲۸	ادبیات فارسی	الزهرا	تکنیسین هواپیما	خانه‌دار	شرق تهران	۱ خواهر بزرگ‌تر
۲۰	محدثه	۲۱	جامعه‌شناسی	الزهرا	فروشنده لوازم التحریر	خانه‌دار	تهران	۱ خواهر بزرگ‌تر
۲۱	مرضیه	۲۱	جامعه‌شناسی	الزهرا	مالک کارگاه تولید نایلون و نایلکس	خانه‌دار	تهران	۱ برادر بزرگ‌تر
۲۲	سمانه	۲۲	جامعه‌شناسی	الزهرا	مکانیک سیکل	معاون مدرسه لیسانس	رودسر	تک‌فرزند
۲۳	هانا	۲۳	جامعه‌شناسی	تهران	نمایندگی بیمه	معلم	تهران	۱ خواهر کوچک‌تر متاهل
۲۴	کژال	۲۱	برق	تهران	مهندس متالوژی مشاور صنعتی	مهندس، اشتغال در پورس	تهران	۱ خواهر کوچک‌تر
۲۵	امیر حسین	۲۳	آمار	تهران	دیپلم حسابدار (متوفی)	دیپلم خانه‌دار	تهران	تک‌فرزند
۲۶	علی	۲۰	برق	امیر کبیر	کارمند نهاد حکومتی	خانه‌دار	تهران	۱ خواهر و ۲ برادر بزرگ‌تر

ردیف	نام	سن	رشته	دانشگاه	شغل و تحصیلات پدر	شغل و تحصیلات مادر	محل سکونت والدین	تعداد خواهر و برادر
۲۷	پرنیان	۲۲	انرژی+ صنایع	امیرکبیر	دکتری مکانیک دانشگاه تهران شرکت ریخته‌گری	لیسانس مامایی/اکنون خانه‌دار	مهرشهر کرج	۱ برادر بزرگ‌تر
۲۸	عرفان	۲۱	علوم کامپیوتر	امیرکبیر	کارمند شرکت سرامیکی	کارمند شرکت سرامیکی	تهران	تک‌فرزند
۲۹	هامون	۲۱	کامپیوتر	امیرکبیر	دیپلم راننده	دیپلم کارمند اداره پست	تهران	۱ خواهر بزرگ‌تر
۳۰	محسن	۲۳	عمران	امیرکبیر	استاد دانشگاه علوم پزشکی ایران	مدرک تربیت کودک از انگلستان خانه‌دار	تهران	۲ برادر بزرگ‌تر
۳۱	علیرضا	۲۱	مکانیک	امیرکبیر	مهندس عمران فوق لیسانس	لیسانس زیست‌شناسی دبیر زیست	تهران	تک‌فرزند
۳۲	امیر مهدی	۲۵	ریاضی کاربردی	امیرکبیر	لیسانس نظامی، بازنشسته سپاه	لیسانس، خانه‌دار	تهران	۱ برادر و ۱ خواهر کوچک‌تر

همه مشارکت‌کنندگان پژوهش به استثنای دو نفر از میان مردان مشارکت‌کننده نگاه مثبتی به خانواده دارند و آن را نهادی مهم و ضروری در جامعه امروز می‌دانند. بیشتر آنان قصد تشکیل خانواده دارند. در این بخش به ذهنیت دانشجویان دختر و پسر مشارکت‌کننده در پژوهش نسبت به انتظارات از خانواده و زندگی مشترک، معیارهای انتخاب همسر و تقسیم کار جنسی بین زن و مرد در خانواده می‌پردازیم.

نگاه دانشجویان دختر به خانواده

در جست‌وجوی خانواده‌ای برابر برپایه صمیمیت

بیشتر زنان و دختران مشارکت‌کننده در این پژوهش خواهان خانواده برابرند. برخی از این دختران خود کنشگر برابری هستند و به نابرابری‌های حقوقی زنان در جامعه ایران معترض‌اند. لاله ۲۱ ساله، دانشجوی حقوق دانشگاه الزهرا و اهل گرگان است. او قوانین حوزه زنان را می‌شناسد و دغدغه تغییر آن‌ها را دارد. می‌گوید روابط دوستانه و نیز برخی از استادانش به او کمک کرده‌اند تا به درکی بهتر از مناسبات میان‌جنسیتی برسد. لاله خانواده ایدئالش را چنین توضیح می‌دهد:

خانواده‌ای که تعداد زیادی فرزند نداشته باشد. پدر و مادر در این خانواده هم رو خیلی عاشقانه دوست داشته باشن. درک متقابل وجود داشته باشه. به رشد و تربیت بچه‌ها بدون جانبداری و القا کردن یک ایدئولوژی ثابت اهمیت بدن. بتونن ذهن باز داشته باشن. استعدادشون رو پرورش بدن. حقوقشون رو بشناسن. بتوانن دنبال علایقشون برونند و خانواده به عقایدشون احترام بگذاره (مصاحبه با لاله، ۱۱ خرداد ۹۹).

برای بیشتر کسانی که با هنجارهای برابری آشنا نیستند، استقلال فردی و حفظ حریم شخصی در رابطه ازدواج و در خانواده بسیار مهم است. به همین دلیل لاله داشتن شغل و استقلال مالی را پیش شرط ازدواج می‌داند.

زهرا ۲۱ ساله و دانشجوی رشته ادبیات انگلیسی دانشگاه الزهرا و اهل گیلان است. از خانواده‌ای مذهبی و خودش دختری مذهبی است. برابری‌خواه و اهل مطالعه است. مسلمانی است که اعتقاد دارد با قرائت‌های دیگری از دین می‌توان قوانین برابرانه‌تری داشت. او در گروه دانشجویانی قرار می‌گیرد که به تعبیر دوچ^۱ و جرارد^۲ (۱۹۵۵) تحت تأثیر اطلاعاتی که محتوای رشته و مطالعاتش^۳ به او داده، تغییر کرده است. برای او خانواده ایدئال:

برپایه احترام و به رسمیت شناختن استقلال همدیگر بنا شده باشد. هردو برای یک هدف تلاش کنن. درسته که هرکدوم مستقل هستند و باید توی زندگی شخصیشون پیش برن،

^۱. Deuch

^۲. Gerard

^۳. دوچ و جرارد بر تأثیر عوامل هنجاری و اطلاعاتی در تغییر نگرش تأکید می‌کنند. آن‌ها این تمایز را برای تأکید بر منابع مختلف تغییر نگرش پیشنهاد می‌کنند. درباره مورد ویژه جامعه‌پذیری دانشگاهی، عوامل اطلاعاتی با محتوای کلاس‌ها و عوامل هنجاری با گروه همالان یا تطبیق با هنجارهای گروه همالان رابطه دارند (گیموند، ۱۹۹۸).

اما یک راه مشترکی هم باشد. لازم هم نیست که همه شبیه هم باشن اما به اهداف هم احترام بذارن (مصاحبه با زهرا، ۱۱ خرداد ۱۳۹۹).

زهرا در مورد معیارهایش برای انتخاب همسر می‌گوید: «شخصی باشه که دغدغه‌های فکری من برایش اهمیت داشته باشه. پرستیژ اجتماعی برای من اهمیت داره. پول خیلی زیاد نمیخوام، اما تلاش برای زندگی رو دوست دارم» (همان).

در تصویر از خانواده ایدئال دختران دانشجوی بر صمیمیت میان زوجین و عشق رمانتیک، همراهی و همدلی در عین احترام به اهداف و علایق زن تأکید می‌شود.

خانواده دمکراتیک و گفت‌وگومحور

تأکید بر خانواده گفت‌وگومحور در توصیف بخش مهمی از مشارکت‌کنندگان ما از خانواده ایدئال تکرار می‌شود. در چنین خانواده‌ای آدم‌ها با هم گفت‌وگو و مسائل و اختلافات زوجین را با چانه‌زنی و گفت‌وگو حل و فصل می‌کنند. در میان اغلب مشارکت‌کنندگان دختر و پسر، تصویر مرد قدرتمندی که تصمیم‌گیرنده اصلی و راهبر خانواده است و به جای همه فکر و عمل می‌کند به چالش کشیده شده است.

ریحانه دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی دانشگاه تهران است و از خانواده مذهبی سختگیری می‌آید. به روایت او پدرش بسیار کنترل‌گر بوده و مانع شرکت او در اردوهای خارج از تهران و موفقیت ورزشی او شده است. او در خانواده و جامعه با تبعیض مواجه بوده است و در مورد مسائل مربوط به خانواده، ازدواج و تقسیم کار در خانواده رویکردی برابرطلبانه را دنبال می‌کند. کنشگر زندگی خود است، ولی فعالیتی برای بهبود حقوق زنان ندارد:

شاید تعریفی که [از خانواده] در ذهن دارم با خانواده خودم خیلی سازگار نباشه. دوست دارم خونه و خانواده یک فضای راحتی داشته باشه. آدم‌ها خیلی به هم کار نداشته باشن و با وجود تفاوت‌ها، هم رو بپذیرن و اعتماد بینشون باشه. از مشکلاتشون بتونن حرف بزنن و خودشون باشن (مصاحبه با ریحانه، ۱۹ خرداد ۱۳۹۹).

با مرور روایت‌های مشارکت‌کنندگان می‌بینیم که برای اغلب مشارکت‌کنندگان، خانواده ایدئال خانواده‌ای حمایتگر و پشتیبان است. خانواده‌ای که فرصت رشد و بالندگی به اعضایش می‌دهد و در زمان سختی پشتیبان است. در شرایطی که جامعه برای تمامیت فرد پذیرنده نیست و در مواردی شیوه زندگی او را طرد می‌کند، بعد حمایت‌گری خانواده پررنگ‌تر می‌شود.

واقعیت قانون خانواده نابرابر

تعدادی از دانشجویان دختر به قانون خانواده نابرابر در ایران به‌عنوان واقعیتی که امکان تغییر آن در آینده نزدیک وجود ندارد، آگاه بودند. شیرین دانشجوی ترم هشت مکانیک دانشگاه امیرکبیر و اهل رشت است. خودش کنشگر حقوق زنان و عضو گروه زنان در یکی از تشکل‌های دانشگاه است و در نشریه آن تشکل درباره مسائل زنان می‌نویسد. از تغییر قوانین ناامید است و قصد مهاجرت دارد. خانواده‌ای برابر و مشارکتی می‌خواهد. در حال حاضر با مردی در رابطه عاطفی است، اما به دلیل قوانین نابرابر دلش نمی‌خواهد خودش در ایران خانواده‌ای تشکیل دهد:

به نظرم کلیت [خانواده] مثبت، اما قوانین در ایران خوب نیست. خیلی خوبه که تلاش کنیم که قوانین عوض شه، اما من خودم خیلی ناامید شدم و احساس می‌کنم نه تنها نتیجه نداده بلکه پس‌رفت هم کردیم. من فرزند خیلی برام مهم هست و حتماً دوست دارم که از این محیط و قوانین دورش کنم چون از بچگی مدام تبعیض رو می‌بینم. این محیط برای [دختر و پسر آسیب‌زاست. اما برای دختر خیلی خیلی سخت خواهد شد (مصاحبه با شیرین، ۲۰ خرداد ۱۳۹۹)].

معیارهای شیرین برای ازدواج بیشتر شخصی است و به ویژگی‌هایی که فرد مقابل باید داشته باشد و کیفیت رابطه مربوط است:

اولین معیار من اینه که ذهن جنسیت‌زده نداشته باشه. کار خونه و بیرون برایش مساوی باشه. هیچ وقت اعتماد به نفس من رو از من نگیره. همو به جلو پیش ببریم. پشتیبان هم باشیم و برای دیگری اصطکاک ایجاد نکنیم. گوشه‌گیر و کم‌حرف نباشه. درباره مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی و روزمره بشه باهاش حرف زد. مهربون باشه. دوست‌داشتنش رو به زبون بیاره. از نظر تحصیلات هم درس‌خونده رو ترجیح میدم. موقعیت طبقاتی هم دوست دارم در حد خودم باشه. بیشتر موقعیت خودش، تلاشش مطرح هست نه خانواده‌اش (همان).

به نظر شیرین ازدواج سفید نیز در شرایطی به وجود می‌آید که قوانین ناعادلانه است و زنان نمی‌خواهند وارد رابطه ناعادلانه شوند. به نظرش ازدواج از حقوق شهروندی است و قوانین باید عادلانه باشد تا ازدواج سفید به وجود نیاید (همان).

شروط ضمن عقد راهی برای ایجاد تعادل قدرت در خانواده

در میان مشارکت‌کنندگان ما دخترانی هستند که با اشراف بر قوانین موجود، تلاش دارند تا با امضای شروط ضمن عقد و گنجاندن قوانین برابرتر در عقدنامه و با مشارکت همسرشان از

ابتدا، خانواده برابری را برای خود پایه گذارند. غزل دانشجوی حقوق دانشگاه الزهراست. پدر و مادرش هر دو تحصیل کرده هستند. او دختری حامل شعائر دینی است؛ به قوانین در حوزه زنان نقد دارد و خواهان تغییر آنان است. کنشگر برابری در انجمن اسلامی است و تلاش دارد که مروج شروط ضمن عقدی باشد که می‌تواند در آغاز زندگی زن و مرد روابط برابری را برای آن‌ها رقم زند و وضعیت نابرابر کنونی را تعدیل بخشند:

توصیه خودم به همه دوستانم این است که حقوقشون رو بگیرن. ضمن این‌که با مهریه خیلی مخالفم. برای زندگی شخصی خودم مهریه نمی‌خوام، اما شروط ضمن عقد می‌خواهم و این‌که اموال بعد عقد نصف باشه و قانونی همه این‌ها ثبت بشه (مصاحبه با غزل، ۱۹ خرداد ۱۳۹۹).

هانا ۲۴ ساله است، در شرف فارغ‌التحصیل شدن از رشته علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. متأهل است و در سن ۲۱ سالگی با یکی از هم‌دانشکده‌ای‌های سال بالایی خود ازدواج کرده است. هانا دختری مستقل و تواناست. کنشگر زندگی خود است. با وجود اختلافات عقیدتی با همسرش (که بسیار متشرع‌تر است) با او ازدواج کرده است و تاکنون توانسته استقلال رأی و عمل خود را در برخی حوزه‌ها نشان دهد. هانا در مورد ثبت شروط ضمن عقد در عقدنامه‌شان می‌گوید:

من مسئله‌ای که خودم داشتم درباره قوانین ازدواج بود که سعی کردم موقع ازدواج خودم تغییرشون بدم و طوری که منطقی‌تر و بهتره پیش ببرم. حقوقی که به صورت عادی [زن] باید داشته باشه من ازشون محروم بودم. شوهرم هم موافق بود (مصاحبه با هانا، ۱۸ خرداد ۱۳۹۹).

جذابیت مردانگی هژمونیک

با وجود تمایل بیشتر مشارکت‌کنندگان به شکل دادن روابط برابر میان زن و مرد، به نظر می‌رسد در ذهن برخی از مشارکت‌کنندگان ما که در برخی حوزه‌ها، مطالبات کاملاً برابری خواهانه را دنبال می‌کنند، همچنان مرد جذاب، مردی است با خصوصیات هژمونیک: مردی کامل که باهوش، توانا، پول‌ساز، قد بلند و حمایتگر است. برخی از آنان به تناقض خواستن چنین مردی با ارزش‌های برابری‌خواهانه و استقلال‌طلبانه خود واقف‌اند و جامعه را در شکل دهی سلیق خود مؤثر می‌دانند.

سارا دانشجوی شهرسازی دانشگاه تهران و ساکن تهران است. او پدرش را در پانزده‌سالگی از دست داده است. مادرش از نظر حقوقی نمی‌توانسته قیم او باشد و فقط می‌توانسته سرپرست او باشد. معیارهای فرد مناسب برای ازدواج از نظر سارا چنین است:

یکی از چیزهایی که برای خود من مهم است، اینه که طرف مقابلم بتونه گلیمش رو از آب بیرون بکشه. اعتقادات و باورها در زندگی باید مشترک باشه. من آزادیمو توی قید و بند رابطه نیاز دارم. حد و حدودی دارم و دوست دارم اون هم بپذیره. دیگه این که باید جذبش بشم. باهوش باشه و اطلاعات هنریش زیاد باشه، اروتیک نیست برام اما جذبم می‌کنه. تعامل و گفت‌وگو وجود داشته باشه. از نظر احساسی منو ارضا کنه (مصاحبه با سارا، ۲۱ خرداد ۱۳۹۹).

او در مورد معیارهای انتخاب همسر می‌گوید:

نیاز دارم که پسری که باهاش هستم در تحصیلات یا کار یا حرفه‌ش تو راه خودش خوب پیش بره. از نظر ظاهری هم به نظرم از بچگی علایق آدم شکل می‌گیره. من با پسری بودم که قد کوتاهی داشت و ظریف بود سه سال هم باهاش بودم، ولی نمی‌تونستم ... باهاش ارتباط بگیرم. به قولی ویژگی‌های مردونه رو نداشت. من دارم سعی می‌کنم با این باورها بجنگم، ولی درونم وجود داره (همان).

کژال نیز در ازدواج و رابطه جدی بسیار کمال‌گراست. دنبال مردی کامل است؛ مستقل، ماجراجو، تحصیل کرده، باهوش، با ایده، تلاشگر، و صاحب فکر و اندیشه و خلاق. نمی‌توان گفت که او به دنبال همسری برتر از خود است، ولی به نظر می‌رسد در بسیاری از حوزه‌ها به دنبال کمال است (مصاحبه با کژال، ۲۱ خرداد ۱۳۹۹).

فراز همسری^۱

در میان بخشی از مشارکت‌کنندگان پژوهش، گرایشی وجود دارد که گرچه در حوزه‌هایی روابط برابرطلبانه را می‌خواهند، ولی در حوزه‌هایی همچنان به دنبال مردی توانمندتر و از طبقه اقتصادی - اجتماعی بالاتر هستند. زیرا در زمینه اقتصادی همچنان مرد را نان‌آور اصلی خانواده می‌دانند. پرنیان ۲۲ ساله است و هم‌زمان دانشجوی دو رشته در دانشگاه امیرکبیر است: مهندسی انرژی و مهندسی صنایع. پدرش دکترای مکانیک است. مادرش مامااست، ولی چند سالی است که کار نمی‌کند. او موافق ازدواج با خواستگاری نیست. می‌گوید خودش به جنبه مالی کارش نگاه نمی‌کند و توقع دارد که طرفش بتواند خانواده را تأمین کند. اما چون سال‌ها درس خوانده است حتی اگر حقوقش کم باشد دوست ندارد کارش را ترک کند. می‌خواهد سال‌های اول پیش کودکش باشد و کم‌کم او را به مهد بسپارد. پرنیان به ازدواج فکر می‌کند، اما دغدغه زندگی‌اش نیست. او در مورد معیارش برای انتخاب همسر می‌گوید:

^۱. Hypergamie

معیار اول من احترام متقابل است. اخلاق پسندیده داشته باشه. عصبی و کنترلگر نباشه. کنترلگری برای من خیلی سخت می‌شه. چون من آدم اجتماعی و برون‌گرا هستم. من هیچ وقت نمی‌تونم با کسی که اختلاف اعتقادی دارم، وارد رابطه بشم. بحث‌های مادی‌تر هم می‌شه جایگاه اجتماعی‌اش، شغلش، تحصیلاتش، محیطی که درش کار می‌کنه و خانوادش مهم هستند. بعد هم که ظاهر، اوضاع مالی و اهداف آینده‌ای که داره (مصاحبه با پرنیان، ۱۱ خرداد ۱۳۹۹).

او که قصد مهاجرت تحصیلی دارد می‌گوید یکی از مهم‌ترین معیارهایش این است که آن شخص هم برنامه مشابهی برای مهاجرت داشته باشد.

درمورد پرنیان می‌بینیم که با وجودی که از نظر درسی و حرفه‌ای زنی کوشاست، اما باز هم کار را بیشتر برای شکوفایی فردی دنبال می‌کند تا برای کسب درآمد. او کسب درآمد را تا هنگامی که در خانه پدر بوده، به شانه پدر می‌گذارد و بعداً نیز به عهده همسر. او در حوزه‌هایی مطالبه‌گر برابری است، اما در حوزه کار و شغل وظیفه نان‌آوری را به همسر واگذار می‌کند. ریحانه نیز از معیارهایش برای فرد مناسب ازدواج می‌گوید و همچنان توانایی تأمین معاش مرد برایش معیار مهمی است:

درجه و جایگاه اجتماعی فرد برای من مهمه نه خیلی بالاتر و نه پایین‌تر [از خودم]. از لحاظ مالی و فرهنگی هم شبیه به هم باشیم؛ این که خودش توانایی پول‌سازی رو داره، برای من جالب و مهمه (مصاحبه با ریحانه، ۱۹ خرداد ۱۳۹۹).

فهمیه بیست‌ساله و دانشجوی فیزیک دانشگاه الزهراست. او دختری مذهبی است. علاقه چندانی به کار بیرون از منزل ندارد، می‌گوید اگر شوهرش درآمدش خوب باشد، شاید کار نکند. با تقسیم کاری که مبتنی بر کار بیرون مرد و کار منزل زن است، چندان مشکلی ندارد. هر چند که اگر قرار باشد بچه‌ای داشته باشند، از شوهرش می‌خواهد که در تربیت و نگهداری کودک مشارکت کند. او در میان مشارکت‌کنندگان دختر تنها کسی است که به ازدواج سنتی و شیوه خواستگاری راضی است.

فهمیه درمورد معیارهایش برای همسر آینده‌اش می‌گوید:

معیاری که برام مهمه، حامی بودن طرف هست. مذهبی هستیم، دوست دارم اونم مذهبی باشه. درمورد وضع مالی خیلی پولدار نباشه، ولی حداقل‌های خونه پدرم رو فراهم کنه. کم کم هم کنار هم زندگی بسازیم. تحصیلات داشته باشه. کلاً برای آینده‌اش بی‌برنامه و انگیزه نباشه. از خودمم اگر بالاتر باشه، بد نیست، چون آدم‌ها اگر با بالاتر ازدواج کنن، به سمتش کشیده می‌شن. اگر هم‌تراز هم باشیم مشکلی ندارم، ولی پایین‌تر خیلی سخت می‌شه. فکر نمی‌کنم بتونم تحمل کنم. مگر این که پتانسیل پیشرفت داشته باشه. بدونم که برنامه داره

و می‌تونه بهش برسه. مثلاً دانشجوی پزشکی باشه، آینده خوبی داشته باشه (مصاحبه با فهمیه، ۱۴ خرداد ۱۳۹۹).

نگاه دانشجویان پسر به خانواده

در میان اغلب پسران مشارکت‌کننده در پژوهش ما همچون دختران نگاه نسبت‌به خانواده مثبت است. بیشتر آنان خانواده را مأمونی امن و آرامش‌بخش می‌خواهند که فرصت‌های رشد و بالندگی را برای اعضایش فراهم کند. بخش مهمی از مشارکت‌کنندگان ما به خانواده‌های پدرسالار نقد دارند و برای خودشان خانواده‌هایی برابرتر مطالبه می‌کنند.

واقعیت محدودکنندگی خانواده

در نگاهی که به فردیت و حفظ استقلال فرد تأکید دارد، خانواده محدودکننده تلقی می‌شود، اما اینجا نیز نگاه به خانواده یک‌سره منفی نیست. برای هامون که خانواده را مانند سنگی تلقی می‌کند که به پایش وصل است و مانع از پیگیری برخی بلندپروازی‌هایش است همچنان خانواده در وضع امروز بهترین و نزدیک‌ترین کانون حمایتی است که می‌توان رویش حساب کرد.

هامون، ۲۱ ساله و دانشجوی کامپیوتر دانشگاه امیرکبیر است. پدر و مادرش دیپلمه هستند. مادرش کارمند اداره پست و پدرش راننده است. مدرسه تیزهوشان شهر ری درس خوانده است. به هنر و ادبیات علاقه‌مند است و در حال حاضر در یک شرکت کامپیوتری کار می‌کند. به نظر هامون قوانین جامعه بیشتر به نفع مردان است، اما انتظاراتی از مردان وجود دارد و کلیشه‌هایی هست که مردان را نیز تحت فشار قرار می‌دهد. هامون داشتن رابطه بین زن و مرد قبل از ازدواج را «لازم و واجب» می‌داند. از نظر او میان ازدواج سفید با ازدواج رسمی هیچ فرقی نیست. به نظر هامون خانواده ایدئال، خانواده‌ای است که «هیچ‌کس دیگری را از کاری بر حذر نمی‌دارد. آدم‌ها با هم حرف می‌زنند، با هم تعامل دارند و فردیت آدم‌ها در بالاترین حد حفظ می‌شود» (مصاحبه با هامون، ۲۳ خرداد ۱۳۹۹). او ازدواج را نهادی «عشق‌کش» می‌داند و به حفظ فردیتی علاقه‌مند است که فکر می‌کند با «ازدواج کامل» از دست می‌رود. او به رابطه پرداوم چندان امیدوار نیست، چراکه بین حفظ فردیت و خواسته‌هایی که رابطه زوجیت به دیگری تحمیل می‌کند تناقض می‌بیند. او در حال حاضر در رابطه‌ای عاطفی است. برای انتخاب دختر مورد علاقه‌اش نیز بیش از هر چیز بر این‌که طرف به استقلالش احترام بگذارد، تأکید می‌کند. این‌که طرف بپذیرد که «ما دو نفر مجزا هستیم و

هیچ وقت نمی‌توانیم یکی شویم. تفاوت‌های من را ببیند و بیشتر از شباهت‌هایی که داریم؛ آن تفاوت‌ها را دوست داشته باشد» (همان).

امیرحسین، ۲۳ ساله، دانشجوی آمار دانشگاه تهران است. پدرش را دو سالی از دست داده است و هم اکنون با مادرش زندگی می‌کند. پدر و مادرش هر دو دیپلمه بوده‌اند. تک‌فرزند است و هم اکنون با مستمری پدرش زندگی می‌کنند. امیرحسین، پسری اهل مطالعه، برابری‌خواه و فعال انجمنی است. برابری‌خواهی او هیچ ابهامی ندارد. به امتیازات مردان در جامعه آگاه و نسبت به آن‌ها منتقد است و حتی احساس گناه دارد. از نشانه‌های مردانگی هژمونیک در او کم‌تر نشانه‌ای هست.

او می‌گوید در حال حاضر به ازدواج فکر نمی‌کند:

به نظرم به‌خاطر مسئولیت‌هایی که برام داره و هم قید و بندهای اخلاقی و تعهدی که برام ایجاد می‌کنه خیلی خودم رو آماده نمی‌دونم. دلیل اصلیش مالی می‌تونه باشه. یکی دیگه هم این‌که به ماها آموزش داده نشده که از یک ازدواج چه انتظاراتی داریم و نمی‌دونیم چی می‌خوایم (مصاحبه با امیرحسین، ۲۰ خرداد ۱۳۹۹).

امیرحسین در مورد معیارهایش برای فرد مناسب ازدواج می‌گوید:

تحصیلات برام اهمیت داره و کسی که می‌خوام باهاش باشم در علوم انسانی درس خونده باشه که یک درک غیرمکانیکی دارند. موقعیت اجتماعی هم نوع رفتار و تیپ و سبک رفتاری را تعیین می‌کند، وابستگی به یک طبقه اجتماعی خاص برای من اهمیت داره. نوع پوشش هم دلم نمی‌خواد خیلی تابع مد باشه، اما در عین حال زیبا و متناسب باشه. برخورد توده‌ای با اجتماع نداشته باشه. این فرد تا حد زیادی مستقل باشه. فاکتور خانواده هم برام مهمه که اعضای اون خانواده چطوری هستند (همان).

امیرحسین دلش می‌خواهد همسرش به طبقه‌ای بالاتر از خودش، طبقه‌ای با سرمایه فرهنگی و اجتماعی بالا تعلق داشته باشد. در این مورد می‌توان این‌طور فکر کرد که امیرحسین خود را دارای سرمایه فرهنگی‌ای می‌داند که فکر می‌کند دختران طبقه خودش از آن بی‌بهره‌اند و به همین دلیل به دنبال دختری از طبقه بالاتر است و ایده ازدواج مردان با زنان دارای موقعیت فرودست‌تر را به چالش کشیده شده است.

زوجین و رابطه‌ای برابر و مشارکتی

این گروه به دنبال رابطه‌ای برابر و مشارکتی هستند. به برابری زن و مرد در خانواده باور دارند. تفکیک جنسی نقش‌ها را نمی‌پذیرند. به دنبال زنی هم‌فکر، تلاشگر و همراه می‌گردند. فرزانش نوزده‌ساله و دانشجوی حقوق دانشگاه تهران است. خانواده‌اش در یکی از شهرهای استان

مرکزی ساکن هستند. می‌گویند که مردان به ناحق امتیازاتی بیشتر از زنان دارند. همچنین از این موضوع ناراحت است که از مرد انتظارات بیشتری برای گرفتن مسئولیت‌های مالی خانواده می‌رود. با روابط دختر و پسر پیش از ازدواج کاملاً موافق است. او نیز مثل بسیاری از مشارکت‌کنندگان ما در این پژوهش به دنبال خانواده‌ای است که در آن گفت‌وگو ساری و جاری باشد و حریم زن و مرد حفظ شود. او در مورد معیارهایش برای فرد مناسب ازدواج می‌گوید:

جذابیت‌های شخصی برای من تحصیلات هست. به آینده خودش و کارش فکر کرده باشه. در زمینه کار فعال باشه تا همون سن سی‌سالگی تونسته باشه کار پایدار خودش رو پیدا کرده باشه. ظاهر هم برای من مهمه. هم چهره و هم اندام. این که خودم به ظاهر رسیدگی می‌کنم، انتظار دارم اون هم اهمیت بدهد (مصاحبه با فرزانه، ۲۱ خرداد ۱۳۹۹).

او به دنبال زنی هم‌طبقه خودش است، چراکه نگران است که جایگاه اجتماعی بالاتر طرف مقابل به عامل سرکوبی برای او تبدیل شود (همان).

عرفان ۲۱ ساله و دانشجوی مهندسی کامپیوتر دانشگاه امیرکبیر است. او ساکن تهران و تک‌فرزند است و پدر و مادرش هردو کارمند هستند. معتقد است که فشارها و انتظاراتی در جامعه وجود دارد که به زن و مرد هردو فشار می‌آورد. عرفان معیارهایش برای ازدواج را چنین برمی‌شمارد:

در کل باید گذشت توی طرفم باشه. مهربون باشه. دغدغه داشته باشه. به فکر بهتر کردن محیطش باشه. انقدر خودش فکر کرده باشه و عمیق شده باشه که بدونه داره چطور زندگی می‌سازه. نظر مستقل خودش رو داشته باشه. قطعاً چیزهای ظاهری هم هست، اما اخلاق‌ها و باورها خیلی مهم‌تره (مصاحبه با عرفان، خرداد ۱۳۹۹).

زنانه و پویا، الگوی زنانگی تلفیقی

در پژوهش ما دانشجویان پسری هستند که گرچه در برخی حوزه‌ها با ارزش‌هایی که بر فرودستی زنان استوارند، همراهی ندارند، اما در برخی حوزه‌ها وضعیت موجود را می‌پذیرند و آن را قوام و دوام می‌بخشند. علیرضا دانشجوی مکانیک دانشگاه امیرکبیر است. پدر و مادرش تحصیل کرده هستند. او تک‌فرزند است. از خانواده‌ای مذهبی می‌آید که به نظر می‌رسد به طیف‌های نوگرای مذهبی تعلق دارند. از برخی قوانین حوزه زنان که از آن‌ها اطلاع دارد ناخرسند است و برخی از آن‌ها را با توجه به ساختارهای موجود مشروع می‌داند. بار مالی زندگی را بر دوش مرد می‌داند، ولی دوست دارد زنش فعال و پویا باشد. تربیت بچه را به عهده هر دو می‌داند. می‌گوید بچه به نصیحت پدر و مهر مادر نیازمند است.

با مرور روایت علیرضا می‌بینیم که او زنی می‌خواهد که امروزی، فعال و پویا باشد، ولی تقسیم کار جنسی به معنای کار بیرون مرد و کار داخل خانه زن را تا حدودی پذیرفته است. مخالف کار کردن زن نیست، ولی او را مسئول نان‌آوری نمی‌داند، هم‌چنان که خودش به کار خانگی علاقه‌ای ندارد. در تربیت بچه نیز که آن را کاری مشترک می‌داند، مهرورزی را وظیفه مادر و نصیحت‌ورزی را وظیفه پدر می‌داند. در ذهن او برخی کلیشه‌های جنسیتی هم‌چنان پررنگ‌اند، هر چند در حوزه‌هایی گام‌هایی برای تغییر دیده می‌شود (مصاحبه با علیرضا، ۲۰ خرداد ۱۳۹۹).

خانواده‌ای با نقش‌های تثبیت‌شده

در میان مردان مشارکت‌کننده در پژوهش ما، دو تن هم‌چنان طرفدار خانواده‌ای با نقش‌های تثبیت‌شده زن و مرد هستند. هر دوی آنان به روابط فرادست/ فرودست در زندگی خانوادگی زن و مرد باور دارند. به‌دنبال شکل دادن خانواده‌هایی هستند که مرد نان‌آور است و زن خانه‌دار.

علی بیست‌ساله و دانشجوی برق دانشگاه امیرکبیر است. به گفته خودش از خانواده‌ای مذهبی می‌آید و خودش نیز فردی مذهبی است. به نظر علی یک سری انتظارات براساس نقش مردانه در جامعه به‌وجود می‌آید که خیلی به‌جاست و مشکلی با آن‌ها ندارد. به ازدواج در سن پایین معتقد است. می‌گوید اگر از نظر خانوادگی و روحی آمادگی داشت، ازدواج می‌کرد. او خودش را نان‌آور خانواده می‌داند و می‌خواهد زنش خانه‌دار باشد. او معیارهایش در انتخاب همسر را شرح می‌دهد:

تحصیلاتش رو می‌خوام در نهایت در حد خودم باشه. من ظاهر کاملاً برام اهمیت داره و دوست دارم در سطح خوبی باشه؛ از نظر احساساتی و شخصیتی بشه باهش حرف زد و ارتباط برقرار کرد؛ عقل و درایت هم داشته باشه. بی‌جنبه برخورد نکنه. توقعات بالا نداشته باشه. از نظر مذهبی هم دوست دارم کاملاً مذهبی باشه، اما اگر خیلی هم هر روز بخواد فعالیت زیاد دینی بکنه و شدید باشه هم اصلاً خوشم نمی‌آد. خوشم نمی‌آد یک خانم در سیاست دخالت کنه و در جمع و بحث سیاسی نظر بده. خوشم نمی‌آد تحلیل کنه. برای من مهم این هست که همسر من حیا داشته باشه. پوشش یکی از معیارهای حیا هست، ولی همه اون نیست. البته که چادر رو خیلی دوست دارم. در کل دوست دارم طرف نزدیک به سطح اجتماعی و اقتصادی خودمون باشه. [می‌خواهم] تمام نیازهای به‌خصوص مالی همسر رو خودم به‌تنهایی تأمین بکنم. دوست ندارم سرکار هم بره. مخصوصاً بعد از بچه‌دار

شدن. چون می‌دونم مضر هست. بعد از بچه‌دار شدن هم وظایف تربیتی رو به عهده‌ی مادر می‌دونم و بهتره که خونه باشه (مصاحبه با علی، ۲۲ خرداد ۱۳۹۹).

در روایت علی می‌بینیم که نگاه او به مناسبات میان جنسیتی به شدت متأثر از آموزه‌های رسمی است. او کاملاً موافق وضع موجود در حوزه روابط میان جنسیتی است. نقش‌های جنسیتی برای او کاملاً تفکیک شده است. زن را متعلق به حوزه خصوصی و مرد را متعلق به حوزه عمومی می‌داند.

در این بخش می‌توان دید که در نگاه دختران و پسران دانشجویان به زندگی خانوادگی مطلوب و نقش‌های جنسیتی زنان و مردان اندکی تفاوت وجود دارد. زنان خانواده برابری را طلب می‌کنند و مردان بیشتر با هنجارهای جنسیتی تثبیت شده هم‌نوا هستند.

در نهایت می‌توان کدهای اولیه حاصل از مرور مصاحبه‌ها را به مضامین فرعی و اصلی تبدیل کرد.

جدول ۲. خلاصه مضامین اصلی و فرعی حاصل از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان در تحقیق

مضمون فراگیر	مضمون اصلی	مضمون فرعی	
	در جست‌وجوی خانواده‌ی دموکراتیک	عشق رمانتیک زوجین، همسانی باورها و عقاید، توجه به نظام حقوقی نابرابر و استفاده از شروط ضمن عقد برای ایجاد تعادل در خانواده، خانواده‌گفت‌وگو محور، فرزندپروری مشترک، حفظ استقلال و مرزهای شخصی، بلوغ فکری و عاطفی همسر	نگاه دختران
	باور به تفاوت نقش‌های زوجین	نان‌آوری و وظیفه‌های مردانه، مادری نقش اساسی زنانه، جذابیت مردانگی هژمونیک، فراهمسری، اشتغال زن به‌مثابه ضرورت رشد فردی	
ابهام هنجاری در خانواده	الگوی زنانگی تلفیقی	به رسمیت شناختن استقلال زن، ضرورت تحصیلات زن، اهمیت تعامل و گفت‌وگو، اهمیت جذابیت زنانگی، محدودکنندگی خانواده	نگاه پسران
	خانواده با نقش‌های تثبیت‌شده	فراست‌ی مرد/ فرودستی زن، مرد نان‌آور/ زن خانه‌دار، تقسیم جنسیتی سختگیرانه، تمایل به کار نکردن زن در بیرون از خانه اما موافقت با تحصیل زن/ تحصیل پایین‌تر زن نسبت به مرد، ازدواج در سن پایین، مادری مهم‌ترین وظیفه زن	

بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه، پژوهشی با رویکرد کیفی است و مثل هر مطالعه کیفی دیگری، قادر به تعمیم یافته‌های خود نیست. تلاش ما در این مقاله درک تنوع نگاه مشارکت‌کنندگان (دانشجویان دختر و پسر دانشگاه‌های تهران) و فهم تفسیر آن‌ها نسبت به خانواده است. از آنجا که دانشگاه در ایران اولین محیط اجتماعی است که ارتباط میان دختر و پسر در آن صورت می‌گیرد، این امکان به وجود می‌آید که از مشاهده، تعامل و گفت‌وگو، بخشی از تصورات و خیالات آن‌ها درباره جنس دیگر تصحیح شود. از آنجا که این مقاله رویکردی کیفی دارد قادر به برآوردن میزان این تغییرات نیستیم و باید به توصیف تفاوت نگاه دانشجویان دختر و پسر اکتفا کنیم.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد به خانواده میان پسران و دختران دانشجوی مشارکت‌کننده در این پژوهش نزدیک بوده و اغلب مشارکت‌کنندگان (دختر و پسر) نسبت به خانواده نگاهی مثبت دارند (تأییدکننده داده‌های پژوهش پیو و بیگو). بیشتر آنان خانواده را مأمنی امن و آرامش‌بخش می‌خواهند که فرصت‌های رشد و بالندگی را برای اعضایش فراهم کند.

بخش مهمی از مشارکت‌کنندگان پژوهش به خانواده‌های پدرسالار نقد دارند و رابطه فرادست - فرودست/ مردانه - زنانه در جنبه‌های مهمی از زندگی برای آنان به زیر سؤال رفته است. به خصوص دختران دانشجو خانواده‌هایی برابرتر مطالبه می‌کنند و همان‌گونه که سراج‌زاده و جواهری (۱۳۸۵) می‌نویسند: «با این‌که زنان سنتی‌تر از مردان‌اند، اما به این دلیل که ارزش‌های برابری‌گرایانه با منافع آن‌ها سازگاری بیشتری دارد بیشتر از مردان به آن ارزش‌ها پای‌بندند». البته چنان‌که ایرن جمی نشان می‌دهد مردانگی هژمونیک برای بخشی از دختران مشارکت‌کننده جذابیت دارد؛ موضوعی که برخلاف مطالبه برابری در برخی جنبه‌های زندگی خانوادگی، در نهایت می‌تواند به بازتولید سلطه مردانه در روابط خانوادگی آنان منتهی شود.

اغلب دانشجویان دختری که در این پژوهش مشارکت کرده‌اند چه آنان که مذهبی هستند و چه کسانی که خود را غیرمذهبی تعریف می‌کنند به دنبال همسری هم‌مسلك هستند و در شاخص‌های فرهنگی چون سبک دین‌داری و تحصیلات همسان همسری را مدنظر قرار می‌دهند، در عین حال همسری را مطلوب می‌دانند که از نظر پایگاه اقتصادی - اجتماعی اندکی بالاتر از آن‌ها باشد. تمایل به فرازهمسری دور از انتظار نیست، زیرا ازدواج یکی از شیوه‌های ارتقای طبقاتی زنان بوده است.

برای بخشی از مشارکت‌کنندگان مرد ما روابط زن و مرد همچنان بر فرادستی مرد/ فرودستی زن استوار است. در نگاه این دسته نقش‌های زنان و مردان در خانواده ذاتی و

تثبیت شده است: مرد نان‌آور است و زن خانه‌دار. برای برخی دختران مشارکت‌کننده در این مطالعه که در حوزه‌هایی برابری خواه بودند، هم‌چنان نوعی تقسیم کار جنسیتی پذیرفته است؛ پذیرش کار زنان به‌عنوان عامل شکوفایی و رشد زنان و نه تأمین‌کننده زندگی، شرایطی را فراهم می‌کند که در آن هویت شغلی زنان کم‌اهمیت پنداشته می‌شود و در نهایت نوعی تقسیم کار جنسیتی، کار خانگی زن و کار بیرون مرد در خانواده تداوم می‌یابد.

به نظر بوزون، جامعه‌شناس فرانسوی، در ازدواج پایگاه اجتماعی و درآمد مردانه با جوانی و زیبایی زنانه مبادله می‌شود (بوزون، ۱۹۹۰: ۳۲۸). از این رو تفوق مالی مرد بر زندگی و توانایی او برای تأمین معاش معیاری اساسی است و در بعضی زمینه‌ها مانند تقسیم کار خانگی هرچند، فضای ذهنی افراد مشارکتی‌تر از گذشته شده است، اما همچنان وظیفه اصلی کار خانه بر عهده زنان دانسته می‌شود. در کل، با وجود بعضی از تغییرات همچنان مقاومت‌هایی در زمینه تغییر انتظارات جنسیتی از زنان و مردان وجود دارد؛ از آنجا که بخشی از مشارکت‌کنندگان زن این پژوهش قوانین موجود در حوزه خانواده را نابرابر تصور می‌کنند و امیدی حداقل در کوتاه‌مدت به تغییر قوانین ندارند، تلاش می‌کنند در زندگی خود با شکل دادن خانواده‌های برابرتر و تعاملی‌تر نسبت به والدین خود، کنشگر زندگی خود باشند. بخشی از آنان با استمداد از شروط ضمن عقد تلاش دارند تا در هنگام ازدواج، موقعیت حقوقی خود در خانواده را بهبود بخشند.

بخشی از مشارکت‌کنندگان این پژوهش به دنبال خانواده‌های گفت‌وگو محورند و باور دارند با گفت‌وگو می‌توان اختلاف زوجین را رفع کرد و به زندگی برابرتری دست یافت. به نظر می‌رسد برخی از آنان درکی رمانتیک از تعیین‌کنندگی گفت‌وگو در خانواده دارند. آنان تصور می‌کنند می‌توان به صرف روابط عاطفی عمیق و بدون داشتن منابع قدرت در به‌چالش کشیدن نقش‌های جنسیتی، خانواده‌ای برابر را پایه‌گذاری کرد. آنان اهمیت واگذاری نقش نان‌آوری به مردان خانواده در تداوم سلطه مردانه را نادیده می‌انگارند.

می‌توان دال مرکزی یافته‌های این پژوهش را ابهام‌هنجاری در نگرش دانشجویان نسبت به خانواده دانست. آن‌ها الگوی خانواده پدرسالار را نقد می‌کنند، اما در شناخت و پذیرش الزامات خانواده مدنی با ابهام روبه‌رو هستند. این ابهام مختص دانشجویان نیست و بخشی از تغییرات بزرگ‌تر در مناسبات جنسیتی و الگوی خانواده در ایران امروز است. با این حال با اهمیت یافتن ارزش‌های عشق رمانتیک در میان مردان و تلاش زنان برای آن که کنشگر زندگی خود باشند، می‌توان انتظار داشت که علاوه بر انتظار از زندگی مشترک و معیارهای انتخاب همسر، تعامل زوجین در خانواده، تقسیم کار جنسیتی و مشارکت در فرزندپروری نیز دموکراتیک‌تر و به خانواده مدنی نزدیک‌تر شود.

منابع

- سراج زاده، سید حسین؛ جواهری، فاطمه؛ فیضی، ایرج (۱۳۹۵)، نگرش‌ها و رفتار دانشجویان، گزارش مرحله دوم طرح پیمایش نگرش و رفتار دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تحت پوشش وزارت علوم، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- سراج‌زاده سید حسین؛ جواهری، فاطمه (۱۳۸۵) «برابری‌گرایی جنسیتی در میان دانشجویان و متغیرهای زمینه‌ای و نگرشی مرتبط با آن»، *جامعه‌شناسی/ایران*، شماره ۲: صص ۳-۴۰.
- سراج‌زاده، سید حسین؛ جواهری، فاطمه (۱۳۸۲) نگرش‌ها و رفتار دانشجویان، گزارش طرح پیمایش نگرش‌ها، رفتار و آگاهی‌های دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تحت پوشش وزارت علوم، اداره کل مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- کشاوری، خدیجه (۱۳۹۵) «نگرش دانشجویان در باب خانواده، زنان و جنسیت»، *مجله مطالعات اجتماعی*، شماره ۴: ۱۱۵-۸۸.
- کمالی، یحیی (۱۳۹۷) «روش‌شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در مطالعات سیاستگذاری عمومی»، *سیاستگذاری عمومی*، شماره ۲: ۱۸۹-۲۰۸.
- گیدنز، آنتونی؛ بردسال، کارن (۱۳۸۶) *جامعه‌شناسی*، ترجمه ج. چاووشیان، تهران: نشر نی.
- گزارش وضعیت اجتماعی و فرهنگی ایران، بهار ۱۳۹۹، براساس نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ و پیش‌بینی‌های جمعیتی متکی بر آن، سازمان برنامه و بودجه کشور، مرکز آمار ایران.
- Bozon, M. (1990) "Les femmes et l'écart d'âge entre conjoints : une domination consentie I. Types d'union et attentes en matière", *Population*, Vol. 45, No. 2: 327-360, cité in: http://www.persee.fr/doc/pop_0032-4663_1990_num_45_2_3548.
- Chatard, A. ; Quiamzade, A. ; Mugny, G. (2007) «Les effets de l'éducation sur les attitudes sociopolitiques des étudiants : le cas de deux universités en Roumanie [article] », *L'année psychologique Année*, Vol. 107, No. 2 : 225-237.
- Dominguez-Folgercas, M. ; Lesnard, L. (2018) « Famille et changement social, Presses universitaires de », rance", *L'Année sociologique*, No. 68: 295 - 314.
- Guimond, S. (1992) «Les effets de l'éducation post-secondaire sur les attitudes intergroupes : l'importance du domaine d'études », *Revue québécoise de psychologie*, vol.13, No. 1 : pp
- Jami, I. (2007) «L'emprise du genre. Masculinité, féminité, inégalité », *Genre & Histoire [En ligne]*, 1 | Automne 2007, mis en ligne le 19 novembre 2007, consulté le 28 avril 2020. URL : <http://journals.openedition.org/genrehistoire/122>
- Jugel, M.; Lecigne, A.; Yaël, S. (2010) L'allégeance comme facteur différentiel de socialisation universitaire, cité in : <https://osp.revues.org/2928>.

Khosrokhavar, F.; Nikpey, A. (2009) *Avoir vingt ans au pays des ayatollahs*, Robert Laffont, Paris.

Bigot, Régis ; Piau, Claire. (2004) Les opinions des femmes et des hommes sont –elles semblables ou différentes ?, Rapport de recherché, in : Cahier de recherche, No. 195, Janvier 2004, Département « Conditions de vie et Aspirations des Français », dirigé par Georges Hatchuel, cité in : file:///C:/Users/keshavarz.ISCS/Downloads/C195-1.pdf.